

پرونده ویژه: فرهنگ عزاداری

علی کیا و عبدالرضا آتشین صدف

پایش سبک، پرونده ویژه این شماره را به بررسی فرهنگ عزاداری و آسیب‌های آن پرداخته است. در این شماره، می‌توان پاسخ سوالهای زیر را یافت. مولف‌های عزاداری صحیح چیست؟ عزاداری از چه آسیب‌هایی رنج می‌برد؟ تحریف در عزاداری بر چند قسم است و چگونه صورت می‌پذیرد؟ مداحی در دوره حاضر با چه معضلات و آسیب‌هایی روبروست؟ بایسته‌های عزاداری از نگاه مقام معظم رهبری چیست؟ خرافه چیست و خرافه‌گرایی کدام است؟ عوامل ایجاد و گسترش خرافه و گرایش مردم به سمت خرافات چه بوده است؟ قمه زنی به عنوان یکی از آسیب‌های عزاداری در دوره معاصر چه سابقه‌ای دارد و از چه جهاتی به تخریب نقش عزاداری می‌پردازد؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مفهوم‌شناسی

«عزا» در لغت به معنای «صبر و شکیبایی بر هر چیزی که انسان از دست می‌دهد» و نیز به معنای «خوب صبر کردن»، «صبر کردن در مصیبت» و «سوگ و مصیبت» است. در عربی «عَزَيْتَ فُلَانًا» یعنی او را دلداری و تسلی دادم، و «أَحْسَنَ اللَّهُ عَزَاكَ» یعنی خداوند تو را صبر نیک دهد؛

بر این اساس «عزاداری» مراسمی است که برای آرامش بخشیدن به فرد یا افراد داغ‌دیده برگزار می‌شود. برای عزاداری روش‌های متعددی کاربرد دارد: همدردی زبانی با فرد داغ‌دیده، گریه کردن همراه با فرد داغ‌دیده، شنیدن غم و غصه‌های فرد داغ‌دیده، یادآوری داغ‌های دیگران به ویژه داغ‌های بزرگان دینی و تاریخی و... در جوامع مختلف عزاداری معمولاً در قالب مراسم جمعی، در چند مرحله زمانی (سوم، هفتم، چهلم و...) و با آدابی مخصوص برگزار می‌شود و روی هم رفته تأثیر بسیار شگرفی در آرامش بخشیدن به افراد داغ‌دیده دارد؛ افزون بر مراسم عزاداری دو عامل «گذشت زمان» و «فراموشی» به یاری فرد داغ‌دیده می‌آید و اندک‌اندک او را از هیجان‌های ناشی از غم‌دیدگی می‌رهاند. معمولاً بعد از مدتی مراسم عزاداری متوقف می‌شود و تنها برای بزرگداشت و یاد بود فرد متوفی مراسمی برپا می‌شود. روشن است که نقش مراسم یادبود در آرامش بازماندگان بسیار اندک و نقش آن در زنده نگاه داشتن نام و یاد فرد در گذشته بسیار فراوان است. از این رو برگزاری مراسم بزرگداشت و یادبود برای بزرگان

دینی، ملی و دانشمندان، حتی پس از گذشت زمان دراز از فقدان آنها، کاری بسیار رایج است.

عزاداران امام حسین (علیه السلام) با حضور در مراسم عزاداری آن حضرت خویشتن را مصیبت‌زده و داغ‌دار حادثه خونین عاشورا می‌یابند و گریه و شیون سر داده، بی‌تاب می‌شوند. عزاداری امام حسین (علیه السلام) گرچه به گونه‌ای است که شرکت‌کنندگان در آن غمبار و گریان می‌شوند، اما تأثیرات روانی بسیار مطلوبی دارد. شرکت‌کنندگان در عزاداری امام حسین (علیه السلام) آرامشی ویژه و لذتی خاص احساس می‌کنند و اگر غمی بر چهره آنان می‌نشیند، غمی متفاوت از غم و غصه‌های زندگی روزمره است؛ غم معنویت، غم آخرت و غم مظلومیت که منشأ حرکت است و کنشگری اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد، نه کاهش عامل نابهنجار در زندگی افراد نمی‌شود، بلکه در مواردی نقش درمانی ایفا می‌کند، و به زندگی نشاط می‌بخشد؛ کسانی که حضور در مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) را تجربه کرده‌اند، هرگز از تکرار و استمرار آن دل‌زده نمی‌شوند؛ بی‌گمان در هیچ مجلس یاد بود و بزرگداشت دیگری، وضع بدین گونه نیست.

منابع

- ۱ ابن منظور، لسان العرب، تصحیح ابن محمد عبدالوهاب و محمد الصالح العسقلانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶.
- ۲ علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۳ محمد کلویی، «روان‌شناسی عزاداری»، تعلیم اخلاقی و عرفانی امام حسین (علیه السلام)، تهران: مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت (علیه السلام)، انتشارات نشر شاهد، ۱۳۸۱.
- ۴ احمد بن محمد بن علی المقرئ القیومی، المصباح المنیر فی معرفة تاریخ الهجرة، ۱۴۰۵ ق.

کارکردهای عزاداری

عزاداری امام حسین (علیه السلام) آثار، فواید و کارکردهای بسیار مهمی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشته است. بی‌گمان شناخت این کارکردها سبب می‌شود تا ما نسبت به «چرایی عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)» تأمل ژرف‌تری داشته باشیم.

یکم) زنده نگاه داشتن نهضت عاشورا

عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)، در مهم‌ترین کارکرد خود، سبب شده است تا یاد، نام و پیام‌های نهضت عاشورا زنده و جاوید بماند و آموزه‌های آن به همه بشریت انتقال یابد. از طریق عزاداری همه انسان‌ها - مسلمان و نامسلمان - در طول تاریخ با آموزه‌هایی همچون ستم‌ستیزی، آزادی، شهادت‌طلبی، ایثار و حقیقت‌جویی آشنا شده‌اند. در این باره این سخن از یک نویسنده غربی بسیار جالب توجه است: «اگر مورخان ما حقیقت این روز (عاشورا) را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند؛ زیرا پیروان حسینی به واسطه عزاداری حسینی می‌دانند که پستی و زیردستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کرد؛ زیرا شعار پیشرو و آقای آنها ندانن تن به زیر بار ظلم و ستم بود.»^۱

دوم) معرفی الگوهای راستین و ایجاد پیوند عمیق عاطفی با آنان

عزاداران حسینی با شرکت در مراسم عزای امام

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۹۵-۱۹۶. ۲. لغتنامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۳۹۸۴. ۳. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۹۵-۱۹۶ و المصباح المنیر، ص ۴۰۸. ۴. روان‌شناسی عزاداری، ص ۳۴۶-۳۴۷. ۵. روان‌شناسی عزاداری، ص ۳۲۶-۳۲۷. ۶. همان‌جا، ص ۳۵۰-۳۵۱. ۷. این مقاله اقتباسی است از فلسفه عزاداری و گریه برای امام حسین، حامد منتظری مقدم، ص ۱۱۸-۱۱۲. ۸. سید عبدالکریم هاشمی‌زاده، درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت، ص ۴۵۱.

حسین (علیه السلام) و یاران با وفایش با شخصیت و عظمت روحی آنان آشنا می شوند و آنان را انسان های کاملی می یابند که واجد صفات پسندیده صبر، وفا، استقامت، و از خودگذشتگی اند و هر یک الگو و أسوه نیکی هاینند. مهم تر اینکه عزاداران به یاد مظلومیت و مصیبت ایشان به سوگ می نشینند، می گریند، و بر سر و سینه می زنند و از این طریق شناخت خود را نسبت به آنان با پیوندی عاطفی، استحکام می بخشند.

از طرف دیگر عزاداران با دشمنان امام حسین (علیه السلام)، یزید و یزیدیان، نیز آشنا می شوند و نسبت به آنان عمیقاً نفرت پیدا می کنند. بنابراین عزاداری امام حسین (علیه السلام) در عمل، به تحقق «تولی» و «تبری» می انجامد و فرصتی می شود تا عزاداران در خطاب به مقتدای خود، اعلام کنند: «أَتَى سَلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وُلَى لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ»؛ من، با کسانی که با شما در آشتی و صلح باشند، آشتی ام؛ و با کسانی که با شما در ستیز و جنگ باشند، در ستیزم؛ و با کسانی که شما را دوست بدانند، دوستم؛ و با کسانی که شما را دشمن بدانند دشمنم.

سوم) تعلیم معارف دینی

مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) فرصتی بسیار ارزشمند به دست می دهد تا واعظان و خطیبان به بیان احکام و مباحث شرعی، اخلاقی و اعتقادی بپردازند و عزاداران حسینی را با معارف دینی آشنا کنند بر این اساس همان گونه که در



محرم سال ۶۱ هجری امام حسین (علیه السلام) برای احیای دین قیام کرد، مراسم عزاداری او نیز، در طول تاریخ، بستری شد برای اجرایی دین و ترویج معارف آن.

چهارم) ایجاد معنویت در جامعه

شرکت در عزاداری امام حسین (علیه السلام) آرامش و لذت خاصی به عزاداران می بخشد. این آرامش ناشی از فضای ویژه ای است که در این گونه مجالس به وجود می آید. در این مجالس، سخن از دیانت، حقیقت و مظلومیت با اشک و سوز همراه می شود و جان های خسته از زندگی روزمره را دگرگون می کند. در نتیجه، عزاداران احساس پاکی، سبک باری،

لطف و معنویت می کنند. این حالات خود می تواند بیانگر نوعی از تزکیه و پالایش روحی باشد که با شرکت در مجالس عزای حسینی به دست می آید. سزاوار است که عزاداران خارج از مجالس عزای نیز مراقبت اعمال خود باشند تا رشد معنوی آنان افول نیابد.

این موارد تنها برخی از مهم ترین کارکردها و آثار عزاداری امام حسین (علیه السلام) است. اهمیت موارد یادشده بر همگان روشن است. بی شک می توان ریشه تردیدها و انکارهایی را که نسبت به برپایی عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) انجام می شود، در خصومت با همین آثار و کارکردها یافت. امام خمینی (ره) در این باره هشدار داده، می فرماید: «آن

۱- عبارتی است از «زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا» (رک: کامل الزیارات، ص ۳۲۰).
 ۲- یکی دیگر از موارد مهم نقش عزاداری امام حسین (علیه السلام) در ترویج مذهب تشیع است. اثر (روزقه، خاورشناس فرانسوی، در کتاب «اسلام و مسلمانان» در فصل «شعبه و سیرفت های خیره کننده آن» به این امر اذعان کرده است (فلسفه شهادت و عزاداری امام حسین، ص ۹۲-۹۷).

روژه‌های سنتی و آن مصیبت‌ها را زنده نگاه دارید که برکاتی که به ما می‌رسد از آنهاست؛ این برکات از کربلاست. کربلا و نام مبارک سیدالشهدا را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می‌شود». همچنین می‌فرماید: «روژه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است. آن کسانی که می‌گویند روژه سیدالشهدا را نخوانید، اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه؛ این گریه‌ها و این روزه‌ها این مکتب را حفظ کرده است!»

باز این پیشواست که خلق عالم است
باز این پوچه پوچه با چشم است

باز این چشم‌پوش است که بر زمین است
بی‌شعشع خواریتش عظم است

دوره‌های عزاداری امام حسین (علیه السلام)

مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از شهادت آن حضرت به چند دوره تاریخی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

یکم) نخستین عزاداری امام حسین (علیه السلام)

بی شک نخستین کسانی که در شهادت امام حسین (علیه السلام) به عزاداری پرداختند، اهل بیت آن حضرت و بنی‌هاشم بودند. شروع عزاداری آن

حضرت بلافاصله بعد از شهادت آن جناب در سرزمین کربلا بود.

همچنین تعدادی از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام در همان روزهای نخستین شهادت امام حسین (علیه السلام) تحت تأثیر مظلومیت آن حضرت قرار گرفته، به مرثیه‌سرایی پرداختند و یاب‌ه شکل دیگری به سوگواری و اظهار اندوه و همدردی پرداختند، از آن جمله جابر بن عبدالله انصاری، یار وفادار پیامبر (ص)، در نخستین اربعین شهادت امام حسین (علیه السلام) زائر قبر آن حضرت بود و بر سر تربت آن سخت گریست. خالد بن معدان، که از بزرگان تابعان بود و در شام زندگی می‌کرد، وقتی که سر امام حسین (علیه السلام) را بالای نیزه دید طاقتش تمام شد و یک ماه از مردم کناره‌گیری کرد و بعد از اینکه دوستانش او را یافتند این اشعار را سرود:



منبع

۱. جعفر بن محمد بن قولویه القمی، کامل‌الزیارات.
۲. سید شرف‌الدین عاملی، فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی (علیه السلام)، ترجمه علی صحت، انتشارات مرتضوی، ۱۳۵۱.
۳. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، تهران، تهیه و تدوین انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱-۶۹.
۴. سید عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین به انسانها آموخت، تهران، نشر فراهانی، ۱۳۵۱، چاپ سوم.
۵. حامد منتظری مقدم، فلسفه عزاداری و گریه برای امام حسین (ع)، نشریه معرفت، ش ۹۸، بهمن ۱۳۸۴، ص ۱۱۸-۱۱۲.

جاؤوا برأسک یابن بنت محمد
مترماً بدمائه ترمیلا
وکانما بک یا ابن بنت محمد
قتلوا چهاراً عامدین رسولا
قتلوا عطشاناً و لماً یرقبوا
فی قتلک التاویل و التنزیلا
ویکبرون بأن قتلت و انما
قتلوا بک التکبیر و التهلیل^۱

دوم) عزاداری امام حسین(علیه السلام) در عصر ائمه(علیه السلام)

در عصر امام باقر و امام صادق(علیهم السلام) دولت اموی رو به ضعف گذارده بود و در نهایت به وسیله نیروهای عباسیان بر افتاد دولت عباسی نیز تازه روی کار آمده بود و هنوز مخالفتش را با شیعیان و خاندان پیامبر(ص) بروز نداده بود؛ در نتیجه عزاداری امام حسین(علیه السلام) به عنوان یک مراسم دینی سالیانه رواج یافت. ولی با قدرت گرفتن عباسیان و مخالفت شدید آنان با شیعیان و مظاهر تشیع عزاداری امام حسین(علیه السلام) نیز از گسترش بازماند، تا آنجا که حتی متوکل عباسی قبر امام حسین(علیه السلام) را خراب کرد و از زیارت قبر آن حضرت جلوگیری نمود. این وضع تا زمان امام رضا(علیه السلام) که جو مناسبی برای شیعیان پیش آمد برقرار بود.

به نظر می رسد در رواج و گسترش عزاداری در عصر ائمه(علیهم السلام) حداقل دو عامل مؤثر بوده است.

الف) اقدام عملی ائمه اطهار(علیهم السلام)
امامان معصوم(علیهم السلام) پیوسته بر جد بزرگوارشان می گریستند و در ایام محرم محزون و غمگین بودند و می کوشیدند تا برای امام حسین(علیه السلام) مجالس عزاداری برپا کنند. شیخ مفید در "مسار الشیعه" نقل کرده که در روز عاشورا امام صادق(علیه السلام) مجلس عزا برپا و از خوردن و نوشیدن خودداری می کرد، تا اینکه ظهر می شد، آنگاه مانند مصیبت زده ها غذای اندکی، مثل شیر، می خورد و غذای للقدید تناول نمی کرد. امام رضا(علیه السلام) درباره گرامی داشتن سالگرد شهادت امام حسین(علیه السلام) به وسیله پدرش امام کاظم(علیه السلام) می فرماید: «وقتی که ماه محرم فرا می رسید، پدرم شاد دیده نمی شد و پیوسته غمگین بود، تا اینکه ده روز می گذشت و روز دهم محرم می رسید. این روز روز مصیبت و غم و اندوه او بود و می فرمود: این روز، روزی است که حسین(علیه السلام) در آن شهید شد».^۲

در عصر امام باقر و امام صادق(علیهم السلام) به جهت فرصت مناسبی که پیش آمده بود، مجالس عزا به صورت دسته جمعی در بیت شریف و در حضور امام برگزار می شد و شاعران و مداحان اشعاری را در مرثیه امام حسین(علیه السلام) می خواندند.

در عصر امام صادق(علیه السلام) عزاداری امام حسین(علیه السلام) بیش از هر زمانی رونق گرفت. امام صادق(علیه السلام) می فرمود: «امام حسین(علیه السلام) به عزادار خود می نگرد و برای او طلب مغفرت

من گریه می کنی، اگر از اجر و پاداشی که خدا به تو می دهد، آگاه شوی، شادیت بیش از اندوهت می شود». در اثر تشویق های آن جناب عزاداری امام حسین(علیه السلام) به مناطق شیعه نشین نیز کشیده شد؛ چنان که وقتی ابوهارون مکفوف در حضور امام صادق(علیه السلام) شروع به مرثیه سرایی کرد، امام فرمود: «ای اباهارون! همان گونه که در میان خود [یعنی شهر رقه] می خوانید، اینجا نیز همان گونه بخوان».^۳

امام رضا(علیه السلام) در تمام دهه محرم محزون و غمگین بود و مجلس عزاداری و مرثیه سرایی ترتیب می داد و اگر شاعر یا مرثیه سرایی حضور داشت به او می فرمود اشعاری در مرثیه امام حسین(علیه السلام) بسراید؛ در غیر این صورت خودش مصائب جدش را ذکر می کرد.

در قرن سوم هجری، یعنی بعد از عصر امام رضا(علیه السلام)، ائمه اطهار(علیهم السلام) بیشتر اوقات در تقیه به سر می بردند و امکان برپا کردن مجالس عزاداری امام حسین(علیه السلام) برای آنان مهیا نبود. با گذشت زمان این مراسم در میان شیعیان رونق و گسترش یافت و عده ای در امر مرثیه سرایی مهارت کافی کسب کردند و برخی دیگر در این زمینه شهرت یافتند. در اوایل قرن چهارم هجری، یعنی از اواخر غیبت صغری، مرثیه گویی به نام خلب مشهور بود که به دست حنابله بغداد کشته شد. همچنین در عصر معزالدوله از نوحه گری به نام ابن اصدق سخن به میان آمده است.^۴

۱. ای سر دختر محمد(ص) سر تو را آغشته به خون آوردند ای سر دختر محمد(ص) یا آشکارگشتن تو مثل اینکه می خواستند از پیامبر انتقام بگیرند. تو راسته گشتند و نابول و نزل قرآن را درباره قتل تو رعایت نکردند. از اینکه تو کشته شدی، شادی کرده، تکبیر می گویند، در حالی که با کشتن تو در واقع تکبیر و تهلیل را نیز گشتند. ۲. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۱۲. ۳. مسار السعد، ص ۲۳. ۴. وسائل السعد، ج ۱۰، ص ۳۹۴. ۵. کامل الزیارات، ص ۱۱۱. ۶. همان، ص ۱۱۲. ۷. النور و المعاصر، ج ۲، ص ۱۳۴. ۸. کامل الزیارات، ص ۲۳۲-۲۳۰.

ب) توصیه‌ها و تشویق‌های ائمه اطهار (علیهم السلام):
ائمه اطهار (علیهم السلام) به شیعیان سفارش می‌کردند که در روز عاشورا از کسب و کار دست بکشند و حالت غم و عزایه خود بگیرند؛ چنان که امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «هر کس در روز عاشورا در بر آوردن حوائج خود نکوشد، خدا در دنیا و آخرت حوائج او را بر آورده می‌کند و هر کس روز عاشورا را روز اندوه و گریه خود قرار دهد، خدای تعالی روز قیامت را روز شادی و سرور او قرار می‌دهد و هر کس روز عاشورا را روز برکت (کسب و به دست آوردن پول) نماید و در این روز مال دنیا ذخیره کند، خدا برکت را از او برمی‌دارد».

توصیه‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) جهت برپایی عزای امام حسین (علیه السلام) به چند شکل بود:

(۱) روایاتی که درباره ثواب گریستن و اشک ریختن بر امام حسین (علیه السلام) وارد شده است.

(۲) روایاتی که درباره ثواب سرودن شعر و گریاندن مردم در مصیبت امام حسین (علیه السلام) وارد شده است.

(۳) توصیه ائمه اطهار (علیه السلام) جهت برپا کردن مجلس عزای امام حسین (علیه السلام) در خانه‌های شیعیان

سوم) عزاداری در عصر آل بویه

یکی از مهم‌ترین مراحل عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از قدرت یافتن سلسله آل بویه در قرن چهارم هجری، یعنی دوره اوج گسترش تشیع، است. در این قرن حکومت‌هایی شیعی مانند علویان طبرستان، زیدیان یمن، حمدانیان در شمال عراق، فاطمیان در مصر و آل بویه در عراق و ایران روی کار آمدند. عزاداری امام حسین (علیه السلام) برای نخستین بار در این قرن، در قلمرو حکومت آل بویه و تحت حمایت آنان به صورت علنی و عمومی در کوچه و بازار برگزار شد. عموم مورخان اسلامی، به خصوص مورخانی که وقایع را به ترتیب سنواتی نوشته‌اند، در ضمن وقایع سال ۳۵۲ هجری و سال‌های بعد از آن کیفیت عزاداری شیعه را در روز عاشورا نوشته‌اند. ابن جوزی گفته است: «در سال ۳۵۲ هجری معزالدوله دیلمی دستور داد، مردم در روز عاشورا جمع شوند و اطهار حزن کنند؛ در این روز بازارها بسته شد و خرید و فروش موقوف گردید؛ قصابان گوسفند ذبح نکردند، هر یسه پزها هر یسه (حلیم) نپختند، مردم آب ننوشیدند و در بازارها خیمه برپا کردند و به رسم عزاداری کرباس آویختند؛ زنان به سر و روی خود می‌زدند و بر حسین ندبه می‌کردند».

با توجه به اینکه قرن چهارم اوج گسترش تشیع بود و حکومت‌های شیعی در اکثر مناطق جهان اسلام از جمله ایران، عراق، یمن، شام، مصر و طبرستان گسترده بودند، این دستور معزالدوله به طور گسترده از سوی مناطق شیعه نشین، به خصوص بغداد، با استقبال روبه‌رو شد. از جمله سیف‌الدوله حمدانی - از حاکمان سلسله شیعی حمدانیان - در قلمرو حکومت خویش، در شمال عراق، در این سال دستور عزاداری عمومی برای امام حسین (علیه السلام) صادر کرد. همچنین حاکمان فاطمی مصر، با اینکه با آل بویه رقیب بودند، از روش آنان پیروی کردند و در روز عاشورا، عزاداری عمومی را برای امام حسین (علیه السلام) مرسوم کردند. بعد از این زمان برپایی عزاداری امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به سرعت در میان شیعیان گسترش یافت و از جمله مهم‌ترین شعائر شیعی گشت.

در عصر آل بویه هرگاه عاشورا یا عید نوروز یا جشن مهرگان مصادف می‌شد، انجام مراسم عید را به تأخیر می‌انداختند؛ حنبلیان بغداد، به جهت کثرت شیعیان و حمایت آل بویه، نتوانستند از برپایی این مراسم جلوگیری کنند؛ اگر چه عکس‌العمل‌هایی داشتند که گاهی خیلی شدید بود؛ از جمله حنابله برای دشمنی با شیعیان روز هجدهم محرم، یعنی



روز قتل مصعب بن زبیر، را عزامی گرفتند؛ حتی در سال ۳۶۳ هجری حنابله بغداد به گفته ابن کثیر - که خود سنی متعصبی است و با شیعه دشمنی کرده - جاهلان سنی دسته ای به راه انداختند و گفتند: «با اصحاب علی می جنگیم». که در این فتنه تعدادی از طرفین کشته شدند؛ گاهی امیران آل بویه برای جلوگیری از فتنه های حنابله، مجبور می شدند دستور دهند، مراسم عزاداری عاشورا تعطیل شود، از جمله در سال ۳۶۷ هجری عضالدوله دستور توقف عزاداری در روز عاشورا را صادر کرد.

بعد از زوال سلسله آل بویه، حنابله بغداد با یاری سلجوقیان، که جایگزین آل بویه شده بودند، از اهل سنت حمایت می کردند، نسبت به عزاداری امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا سخت گیری کردند و شعارهای شیعه را از مساجد پاک کردند و دستور دادند در محله کرخ بغداد در اذان به جای «حی علی خیر العمل»، «الصلوه خیر من النوم» گفته شود؛ آزار و اذیت حنابله به حدی شدت یافت که شیخ طوسی، عالم بزرگ شیعی، در سال ۴۴۸ هجری مجبور شد، بغداد را ترک کرده، به نجف اشرف مهاجرت کند؛ به تدریج و با گذشت زمان از تعصب سنی ها کاسته شد و به همزیستی مسالمت آمیز با شیعیان روی آوردند و حتی عزاداری روز عاشورا به میان آنان نیز راه یافت.

در عصر آل بویه مرثیه سرایی و سرودن اشعار، که قدیمی ترین شکل سوگواری امام حسین (علیه السلام) به شمار می رود، گسترش یافت و شاعران بسیاری در مظلومیت سید الشهداء (علیه السلام) به مرثیه سرایی پرداختند. پتر چلووسکی در این باره می گوید: «مرثیه نخستین قالب بیان تعزیه بود». در همین بستر در قرن پنجم و ششم منقبت خوانی به وجود آمد و مناقب خوانان در مجامع عمومی اشعاری را در فضیلت و منقبت ائمه اطهار (علیهم السلام) و مظلومیت و مرثی امام حسین (علیه السلام) قرائت می کردند.

مقتل خوانی: از قرن چهارم شکل دیگری از مرثیه سرایی در کنار سرودن اشعار گسترش یافت که عبارت بود از بیان مظلومیت شهیدان کربلا در قالب نثر. تألیف کتاب های فراوان مقتل در این راستا بوده است. با توجه به اینکه این گونه کتاب ها صرفاً جنبه تاریخی نداشتند و گریاندن هم از انگیزه های تألیف آنها بوده است - شاهد آن آوردن احادیثی است که در ثواب و فضیلت گریه بر امام حسین (علیه السلام) وارد شده است - از این رو واعظان در روز عاشورا در منابر ذکر مصیبت امام حسین (علیه السلام) را می کرده اند. این کار مختص شیعه نبود و عالمان اهل سنت نیز در روز عاشورا مصیبت امام حسین (علیه السلام) را ذکر می کردند. البته این شکل از مرثیه سرایی را

می توان در امتداد قصه گوئی دانست که در قرون نخستین متداول بوده است.

دسته سینه زنی: دسته های سینه زنی شکل جدید عزاداری بود که در عصر آل بویه به مراسم سوگواری امام حسین (علیه السلام) افزوده شد. معز الدوله در سال ۳۵۲ شمسی دستور داد، روز عاشورا تعطیل شود. شیعیان به صورت دسته جمعی یا حالت غم و اندوه به سر و روی خویش کاه و خاکستر می پاشیدند، به سر و سینه می زدند، اشعاری در عزای امام حسین (علیه السلام) می خواندند و خیابان های شهرها را می گشتند. همچنین در این روز مردم از تهیه غذا برای خویش خودداری می کردند و نیکوکاران احسان و اطعام می دادند. تنها آلتی که از آن در این نوع دسته ها نام برده شده طبل است.

چهارم: عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از عصر آل بویه

مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از عصر آل بویه در روز عاشورا در مناطق شیعه نشین به طور جدی رواج داشته است. از این رو از قرن ششم به بعد کتاب های زیادی در موضوع مقتل و شهادت امام حسین (علیه السلام) نوشته شد که انگیزه نگارش آنها تنها بیان وقایع تاریخی نبود. نویسندگان این کتابها



بیشتر رونق مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین (علیه السلام) را در نظر داشته‌اند. در کتاب‌هایی همچون مقتل الحسین خوارزمی (۵۶۸ هـ) و درر الشحط فی خبر السبط قضاعی (۶۵۸ هـ) مرثیه‌های منثور امام حسین (علیه السلام) آمده است. همچنین سیدبن طاووس (۶۶۴ هـ) کتاب خود، «اللّهوف علی قتلی الطفوف»، که به معنای حزن و اندوه بر کشتگان طف است را با بحث درباره ثواب گریستن بر اهل بیت (علیه السلام)، به خصوص امام حسین (علیه السلام)، شروع کرده است.

از قرن چهارم شکل دیگری از مرثیه سرایی در کنار سرودن اشعار گسترش یافت که عبارت بود از بیان مظلومیت شهیدان کربلا در قالب نثر

از قرن پنجم به بعد کسانی پیدا شدند که در کوچه، بازار، مسجد و مدرسه فضایل و مناقب خاندان پیامبر (ص) را می‌خواندند و مظلومیت آنان، به ویژه امام حسین (علیه السلام)، را ذکر می‌کردند که به آنان مناقب‌خوان^۱ و بعدها مناج می‌گفتند.^۲

اگر چه پیش از روی کار آمدن آل بویه برخی از گروه‌های متعصب اهل سنت به پیروی از بنی امیه و نواصب (ناصبی‌ها) نسبت به عزاداری امام حسین (علیه السلام) عکس‌العمل‌های منفی داشتند و این عکس‌العمل‌ها در عصر آل بویه در قالب درگیری‌های بسیاری، که در روز عاشورا میان حنابله و شیعیان روی می‌داد، بروز می‌کرد.^۳ ولی به تدریج به دلیل جایگاه خاندان پیامبر و

و علاقه اهل سنت به سادات سوگواری امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به میان آنان نیز راه یافت.

تقرب به اهل بیت (علیه السلام) در میان اهل سنت متأثر از تمایل عالمان بزرگ اهل سنت به محبت اهل بیت (علیهم السلام) است.

ششم) عزاداری امام حسین (علیه السلام) در عصر صفوی

در عصر صفوی مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین (علیه السلام) وارد مرحله جدیدی شد. شاهان صفوی نه تنها خود شیعه و علاقه‌مند به خاندان پیامبر (ص) بودند، بلکه خود را ملزم به ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و اشاعه مذهب شیعه می‌دانستند. یاد و ذکر شهادت امام حسین (علیه السلام)، به عنوان یکی از شعائر و نمودهای مهم تشیع، در این عصر به رشد و شکوفایی چشم‌گیری رسید و تقریباً به مرحله تکامل خود پا نهاد.

در این عصر عزاداری امام حسین (علیه السلام) به تمام مناطق قلمرو حکومت صفویان، حتی روستاها نیز کشیده شد. در حالی که قبل از آن در برخی از مناطق همچون اصفهان، که متعصبان اهل سنت در اکثریت بودند، برپایی این مراسم میسر نبود.^۴

در آن دوره سوگواری افزون بر دهه محرم و عاشورا، به ماه صفر و ماه رمضان، که اوقات شهادت و رحلت سایر معصومان (علیه السلام) در آنها واقع شده است، گسترش یافت؛ در حالی که پیش از این گزارشی از سوگواری شیعیان در سایر روزها، غیر از روز عاشورا،

وجود ندارد. (البته از عصر امام صادق (علیه السلام) شیعیان عراق در روزهایی غیر از عاشورا، که روایاتی در فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در آن روزها وارد شده، در کربلا و کنار قبر آن حضرت به عزاداری می‌پرداختند.)

از زمان صفویه به بعد تکیه‌ها، حسینیه‌ها و موقوفات مربوط به عزاداری امام حسین (علیه السلام) در ایران شکل گرفت. یکی دیگر از زمینه‌های سوگواری امام حسین (علیه السلام) در این عصر وجود طریقت‌های صوفی بود. برای صفویان قلباش، که قدرت سیاسی و نظامی نیز داشتند، دهه محرم بستر خوبی بود که ریاضت‌های صوفیانه را در قالب سوگواری امام حسین (علیه السلام) جلوه‌گر کنند.

عزاداری در عصر صفویه به شکل‌های زیر بوده است: الف) روضه‌خوانی: واژه روضه و عنوان روضه‌خوانی در اوایل عصر صفوی پدید آمد و پیش از آن، این اصطلاح وجود نداشت. روضه‌خوانان در عصر صفوی کار مناقب‌خوانان، مداحان و مرثیه‌سرایان گذشته را انجام می‌دادند. از سوی دیگر جای قصه‌گویان و مقتل‌خوانان و حتی واعظان را هم گرفته بودند.

از این زمان به بعد وعظ و خطابه و مرثیه‌سرایی در وجود روضه‌خوانان جمع شد و آنان با در آمیختن نظم و نثر مردم را به گریه وامی‌داشتند. اینان از میان تحصیل‌کردگان علوم دینی بودند.

ب) دسته‌های سینه‌زنی:

راه افتادن دسته‌های سینه‌زنی از زمان آل بویه در میان شیعیان رایج گردید. در عصر صفوی نیز دسته‌های سینه‌زنی با خواندن اشعار با آهنگ یکنواخت -

۱. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعی، ص ۲۵۵. ۲. بدایع الوقایع، ج ۲، ص ۲۲۷ و ۲۲۹. ۳. البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۲۷۵ و ۲۸۹ و ۳۳۲ و ج ۱۲، ص ۲. ۴. ابن بطوطه الرحله، ص ۲۱۴. ۵. کامل‌الزیارات، ج ۱، ص ۲۰۰-۱۸۶.

که در سوگ امام حسین (علیه السلام) سروده شده بود - در کوچه ها و خیابان ها می گشتند. در این عصر برای افزایش هیجان مردم و هر چه شکوهمندتر شدن دسته های عزاداری نواختن طبل و کوبیدن سنج معمول گردید و ادوات جنگی - که در میدان رزم کاربرد داشت - به این گونه مجالس راه یافت. شیپور زنی، علم گردانی، حرکت دادن کتل و گردانیدن مرکب بدون راکب در میادین عمومی و معابر در هنگام عزاداری از سنت های رایج این عصر به شمار می آید!

از جمله چیزهایی که بعد از این عصر به دسته های سینه زنی اضافه شد، خون آلود کردن سر و صورت با تیغ و قمه زدن به فرق سر بود. با توجه به گزارش هایی که در عصر قاجار موجود است، این عمل در آن زمان معمول بوده است؛ به احتمال زیاد در ابتدا این عمل از سوی صوفیان و درویشان انجام می گرفته است.

ج) تعزیه و شبیه خوانی:

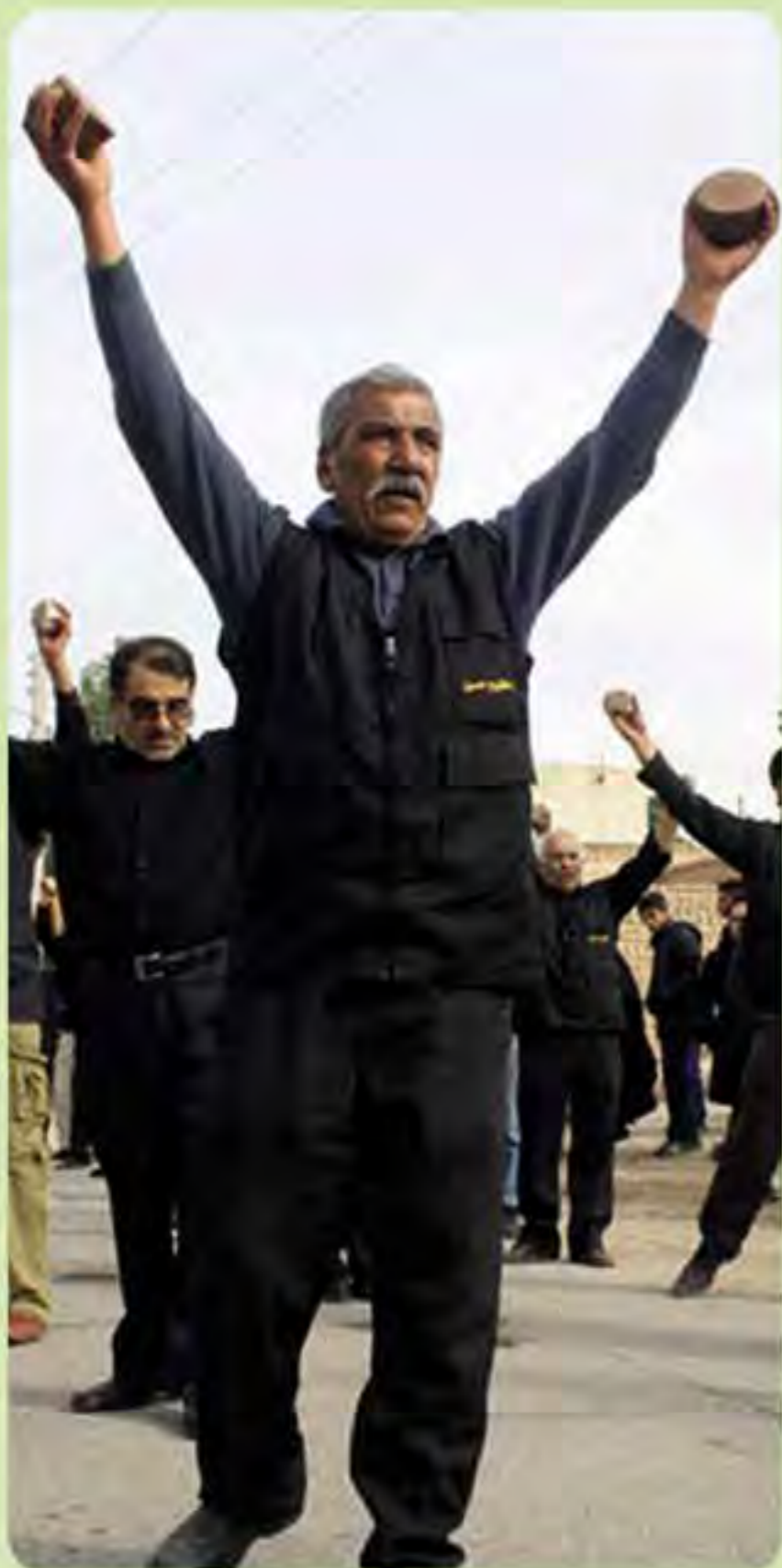
با توجه به گزارش هایی که از سوی سفرنامه نویسان از شکل عزاداری عصر صفوی در دست است، می توان گفت که تعزیه و شبیه خوانی در عصر صفوی به عنوان شکل مستقلی از عزاداری و سوگواری ایام محرم در کنار دسته های سینه زنی، مطرح نبوده است، بلکه در مراحل مقدماتی و ابتدایی قرار داشته است. در سفرنامه پیترو دلاوله در عصر شاه عباس آمده است: «پس از اینکه روز دهم ماه محرم، یعنی روز قتل، فرار سید، از تمام اطراف و محلات اصفهان، و به طوری که قبلاً به مناسبت روز قتل علی (علیه السلام)



توصیف کردم، دسته های بزرگی به راه می افتد که به همان نحو بیرق و علم با خود حمل می کنند و بر روی اسب های آنان سلاح های مختلف و عمامه های متعدد قرار دارد و به علاوه چندین شتر نیز همراه دسته ها هستند که بر روی آنها جعبه هایی حمل می شود که درون هر یک چند بچه به علامت بچه های اسیر حسین شهید قرار دارند. علاوه بر آن، دسته ها هر یک به حمل تابوت هایی می پردازند که دور تا دور آنها مخمل سیاه رنگی پیچیده شده و روی آنها یک عمامه که احياناً به رنگ سبز است و همچنین یک شمشیر جای داده اند»^۲. همچنین در سفرنامه تاورنیه، که در عصر شاه صفی،

به ایران آمده، از اسب های بی سوار و عمارت هایی که طفلی در آن به علامت جناب علی اصغر خوابیده در دسته های عزاداری ذکر به میان آمده، که به نحوی به هدف ترسیم عینی واقعه کربلا انجام می گرفته است؛ درباره اینکه تعزیه به صورت تکامل یافته امروزی از چه زمانی معمول گشته نصرالله فلسفی می نویسد: «تعزیه خوانی ظاهراً در زمان شاه عباس و جانشینان او هنوز در ایران مرسوم نبوده؛ زیرا در هیچ یک از تواریخ و سفرنامه های این زمان نامی از آن برده نشده است. برپا ساختن مجالس تعزیه از زمان پادشاهی کریم خان زند متداول شد. نوشته اند که در عهد وی سفیری از فرنگستان به ایران آمد و در خدمت آن

۱- تعزیه هنر بومی ایران، ص ۱۰. ۲- ایران و ایرانشان، ص ۲۸۴. ۳- پیترو دلاوله، پیشین، ص ۱۲۵. ۴- تاورنیه، پیشین، ص ۴۱۶.



منابع

۱. ابن بطوطه، رحله، دار الکتب العلمیه بیروت.
۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد بن قولویه القمی، کامل الزیارات، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۵ ق.
۴. ابن کثیر، البدایه و النهایه، منشورات مکتبه المعارف، بیروت، ۱۴۰۸.
۵. ابو المحاسن تغری بردی اتابکی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و قاهره، مصر، افسس دار الکتب.
۶. پتروچلو کوفسکی، تعزیه هنر بومی ایران، ترجمه داوود حاتمی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۱۳۶۷ ش.
۷. تنوخی، فاضی ابوعلی، النشور و المحاضره، بیروت، ۱۳۹۱.
۸. حر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۹. رازی، عبدالجلیل: التخص.
۱۰. زندگانی شاه عباس اول، انتشارات علمی.
۱۱. س - ج و - بنجامین، ایران و ایرانیان، ترجمه مهندس محمد حسین کردیجه، سازمان انتشارات جاویدان، ج ۱، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. شیخ مفید، مسار الشیعه، المؤتمر العالمی لاقیبه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، بیروت دار الکتب العلمیه.
۱۴. فقیهی، علی اصغر، ال بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، چاپخانه دیبا، چاپ ۳.
۱۵. ناصری، عبدالحمید تشیع در خراسان عهد تیموریان، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۱۶. واصفی، زین الدین محمود، بنایع الوقایع، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، چاپ ۲، ۱۳۴۹ ش.



پادشاه شرقی در تعریف تأثرهای حزن انگیز بیان کرد و کریم خان پس از شنیدن بیانات وی دستور داد که صحنه هایی از وقایع کربلا و سرگذشت هفتاد و دو تن راساختند و از آن حوادث غم انگیز مذهبی نمایش هایی ترتیب دادند که به تعزیه معروف گشت.^۱

تعزیه نخست در چهارراه ها و میادین انجام می شد و بعدها به بازارها، کاروانسراها، منازل شخصی و تکیه هایی که در عصر قاجار ایجاد شدند کشیده شد. تعزیه در دوره قاجار هم از نظر محتوا و کیفیت و نحوه برگزاری و هم از نظر محل برپایی به تکامل رسید.^۲

